



جمال الدین جمالی

قواعد فقه اسلامی

-۲-

الاصول بقاء ماكان - (بآنچه یقین حاصل شده اصل بقاء آنست).
 الیقین لایزال بالشک - (یقین سابق بشک لاحق زایل نمیشود).
 القدییم یتروک علی قدمه - (قدیم بحالت خود باقی است) ؟
 المجله - هر يك از جملات فوق را قاعده مستقلى دانسته و تحت سه ماده
 آنها را مقرر داشته دانشمندان حقوق اهل سنت مانند - آناسی - سلیم باز قواعد
 مزبور را جداگانه مورد بحث و تشریح قرار داده اند ؟
 علامه کاشف القطاء در تحریر المجله می فرماید قواعد نامبرده از اصل
 واحدی گرفته شده و آن احادیث عدم نقض یقین سابق بشک لاحق میباشد که
 بمضامین مختلف از طرق عامه و خاصه وارد شده و مؤید بناء عقلاء بر عدم بهر رفع ید

از یقین سابق بشك لاحق میباشد - چنانچه «شرح المجله» از اهل سنت نیز باین مطلب تصریح نموده و قواعد مذکور را از يك مأخذ میدانند.

بنابراین مراد از این قواعد همان فاعده استصحاب میباشد که از اهم اصول عملیه است

و مدار عمل علما و فقهای اسلامی میباشد و لذا تا آنجا که حوصله این سلسله مقالات اجازه میدهد اصل استصحاب را مورد بحث قرار خواهیم داد .

استصحاب

کلمات علمای اصول در تعریف استصحاب مختلف است علامه انصاری در فرائد الاصول بسیاری از تعاریف را نقل کرده و ایراداتی متوجه آنها دانسته و بالاخره خود استصحاب را با بقاء ماکان تعریف نموده، محقق خراسانی در کفایه الاصول میفرماید گرچه عبارات علمای اصول در تعریف استصحاب مختلف است ولی هدف و مقصود از تمامی آن کلمات مفهوم واحدی میباشد و آن عبارت از حکم بقاء حکم یا موضوع ذی حکم متیقن سابق در شك لاحق میباشد علامه حائری قدس سره در دارالاصول امین تعاریف را ابقاء ماکان دانسته میفرماید بشهادت مقام مراد از ابقاء در استصحاب ابقاء عملی است نه حقیقی و ذکر ماکان در تعریف باتوجه باینکه معنی آن در مفهوم ابقاء مأخوذ است مشعر بر ابقاء عملی حالت سابق است و همچنین از جمله ابقاء ماکان اعتبار شك و یقین که دو امر معتبر در جریان استصحاب می باشند مستفاد میشود .

در هر صورت باتوجه بکلمات و تعاریف اعلام مراد از استصحاب ابقاء حکم یا موضوع ذی حکم متیقن سابق است در حالت مشکوک متأخر از یقین و این يك اصل فطری و عقلائی است که اخبار و احادیث وارده از فریقین آنرا تأیید نمودند .

با توجه بمراتب مذکور تشریح مسئله استصحاب متوقف به بیان چند مطلب است.

مطلب اول احوال و صفات قلبیه نسبت بامور خارجی است - امور خارجی اعم از آنچه در خارج معین و مشخص است مانند موجودات خارجی که از آنها تعبیر بموضوعات ذی حکم میشود یا امور جعلی و اعتباری مانند احکام تکلیفی و وضعی حالات حاصله قلبی مکلف نسبت بهریک از این امور یا قطع و یقین است نسبت بوجود و عدم آنها یا شک و تردید در صورتی که نسبت بوجود یا عدم هریک از این موضوعات یقین حاصل شود عمل به یقین در کلیه شئون و آثار مترتبه بر آن امر واجب است چنانچه شك در وجود یا عدم آن امر برای مکلف حاصل شود ازدو حال نمیتواند خارج باشد یا مسبوق بحالت سابقه میباشد یاخیر در صورتیکه مسبوق بیقین سابق نباشد شك در حدوث است و مرجح آن اصل عدم است و چنانچه مسبوق بحالت سابقه از وجود یا عدم باشد شك حاصله قابل ترتیب اثر نیست و همان حکم حالت سابق عملاً در مورد شك اجراء میشود مثلاً یقین بوجود زید حاصل بوده در حال حاضر زنده بودن آن مشکوک است عقلاً و شرعاً استصحاب بقای وجود او در حال شك میشود و آثار وجودی بر آن مترتب است مگر اینکه دلیل قطعی بر موت او در بین باشد در فاصله بین یقین و شك گاهی حالت دیگری در قلب حاصل میشود که یکی از طرفین احتمال وجود یا عدم حکم یا موضوع ذی حکم را مکلف ترجیح میدهد از طرف راجح تعبیر به ظن میشود فقها این حالت را در حکم یقین دانسته و از حالت مرجوح بوهم تعبیر میشود که قابل ترتیب اثر نیست.

بنابر آنچه بیان شد مورد استصحاب هنگامی است که مکلف یا مجتهد یقین

بامری اعم از موجودات خارجی مشخص و معین در خارج یا امور اعتباری و جعلی داشته و در هنگام متأخره از یقین شك حاصل کند بقاء یا زوال آن که مدار بحث

علمای اصول در کتب مفصله میباشند . و نیز از بیان مزبور و همچنین از تعریف استصحاب مستفاد میشود که استصحاب دارای دو رکن با شرط اساسی است که عبارت از یقین سابق یعنی حالت سابقه و شك لاحق در زمان متأخر از یقین میباشد و قابل تردید نیست که وحدت موضوع در قضیه متیقنه و مشکوک که نیز شرط است .

بعبارت دیگر شك حاصله بایسد نسبت بهمان موضوع متیقن سابق باشد گرچه بعضی از علماء وحدت موضوع استصحاب را نسبت به دو حالت شك و یقین مشکل دانسته اند باین بیان که اگر جمیع شرایط و مقومات موضوع استصحاب در حالت شك موجود باشد مانند حالت یقین سابق در اینصورت محلی برای حصول شك باقی نیست بنابراین هنگامی شك حاصل میشود که بعضی از شروط یا مقومات حالت یقین سابق وجود نداشته باشد و با توجه به فقدان آن مقومات و شروط وحدت موضوع منتفی خواهد بود .

مثلاً نسبت بوجوب نماز جمعه در حضور امام علیه السلام یقین حاصل است در غیبت امام (ع) اختلاف است که آیا شرط وجوب نماز جمعه حضور امام (ع) است یا خیر در اینصورت وجوب نماز جمعه در غیبت امام (ع) مشکوک میباشد جای تردید نیست نماز جمعه با حضور امام و بدون حضور امام موضوعاً متفاوت است و با تحلیل عقلی موجب تعدد موضوع میشود .

محقق خراسانی در کفایة این مشکل را حل فرموده باینکه حجیت استصحاب مبتنی بر اخباری است که مشعر بعدم نقض یقین سابق به شك لاحق میباشد و مفاد ادله مزبور منصرف بصدق عرفی است بنابراین هر موضوع یا حکمی که مسبوق به یقین سابق و مورد شك در زمان متأخر از یقین قرار گیرد و دلیلی بر انتفاء حکم یا زوال موضوع سابق وجود نداشته باشد حکم یقین سابق بموجب استصحاب بر آن مرتب است و در وحدت موضوع هم صدق عرفی کافی است و قابل تردید نیست

که نظر عرفی اوسع از نظر عقلی است .

در حجیت استصحاب بین علمای اصول فقه اختلاف است بعضی بطور مطلق آنرا حجت دانسته‌اند جمعی بطور مطلق حجت نمیدانند بعضی بین موضوعات و احکام فرق گذاشته‌اند در یکی حجت دانسته و در دیگری حجت نمیدانند بعضی دیگر بین شك در رافع و شك در مقتضی فرق قائل شده‌اند علامه انصاری غالب اقوال را نقل نموده محقق خراسانی در کفایه می‌فرماید که در ذکر اقوال و ادله آنها فائده مترتب نیست، مهم اثبات حجیت یا عدم حجیت استصحاب است پس از آنکه بنا بر مختار اکثریت علما حجیت استصحاب بطور مطلق ثابت شد بطلان سایر اقوال هم ثابت است .

کسانی که قائل به حجیت استصحاب میباشند قطع نظر از ادله نقلیه اخباری که در عدم نقض یقین سابق بشك لاحق وارد شده به بناء عقلا بر حجیت آن استدلال نمودند باین تقریر که عمل تمامی ذوی العقول از نوع بشر بدون توجه بشرت از شرایع برحالت متقین سابق میباشد مثلاً اگر کسی زنده بوده با احتمال موت دست از آثار مترتبه بزنده بودن آن برنمیدارند و با او معامله يك فرد زنده میکنند تا هنگامیکه قطع بحیات یا ممات آن حاصل شود.

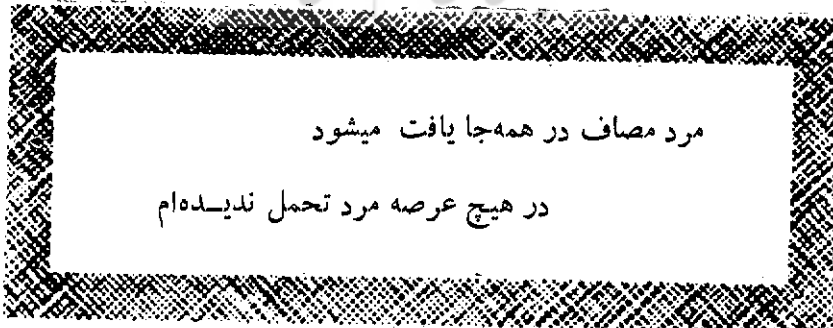
دیگر بر حجیت استصحاب استدلال شده باینکه ثبوت موضوع یا حکمی در سابق هنگام شك لاحق غالباً موجب ظن بوجود حالت سابقه است چون ظن رجحان یکی از طرفین تردید میباشد و در حکم قطع است بنابراین موضوع شك که تساوی طرفین احتمال است منتفی میباشد.

سوم از ادله که در حجیت استصحاب ذکر شده اجماع است چنانچه صاحب مبادی الاصول فرموده اگر حکمی در زمانی ثابت و محقق شد و در زمان لاحق شك در زوال و بقاء آن حکم بوجود آید باتفاق علما عمل بحالت سابقه واجب است و اگر

استصحاب حجت نبود حکم بوجوب ابقاء حالت سابقه نمیشد .
 بهر يك از ادله مزبور ایراداتی وارد است که در کتب مفصله اصولی بیان
 شده مگر بنای عقلا بر عمل بآن ولی دلیل مهم بر حجیت استصحاب علاوه بینیای
 عقلا اخبار مستفیضه از جمله صحیحیه زراره است که قسمت اخیر آن باین عبارت
 آمده ولاینقض الیقین بالشك ابدأ گرچه این روایت مضموره است یعنی زراره
 نام امام معصوم را ذکر نکرده لکن چون راوی زراره است اضمار در صحت روایت
 مؤثر نیست و مورد عمل فقها و علما میباشد .

روایات دیگر من جمله مضموره دیگری از زراره است که محقق خراسانی
 در کفایة آنرا مورد بحث قرار داده و همچنین روایات دیگری که مشعر بعدم نقض
 یقین سابق بحصول شك متأخره میباشد و از روایات کل شیئی لك طاهر حتی
 تعلم انه نجس یا كل شیئی لك حلال حتی انه حرام نیز در حجیت استصحاب
 استفاده نمودند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



مرد مصاف در همه جا یافت میشود

در هیچ عرصه مرد تحمل ندیده‌ام